

متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید: استاد عزیز بنده در بحث روح و فطرت و انسانیت (که امام به عنوان انسان کل است) به برخی اشکالات بر خوردم لطفا راهنمایی بفرمایید. ما یک تن داریم و یک من داریم (که همان روح یا نفس ماست) که تن ما ابزار من ما است و ما از این ابزار استفاده می کنیم تا بتوانیم روح خودمان را رشد دهیم و به آن مبدا روح که همان مقرب ترین ملک نزد خداوند است و قرب خداوند است برسیم. و اینکه ما میل به کمال (چه منفی و چه مثبت) داریم بر اساس فطرت ما است که با رجوع به انسانیت می توان روح را به آن مقصد اصلی اش رساند و اوج فطرت انسانیت است و در اصل فطرت ما همان امام است. و فطرت جان جان همه انسان ها است و مقصد روح انسان می شود فطرت. خیلی شرمنده هم همه رو جابه جا فهمیدم کمک بفرمایید

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خوب خوب متوجه شده‌اید، منتها در مباحث عرفانی؛ بین روح و نفس فرق هست ولی در این جا این دو به یک معنا گرفته شده است. در مباحث عرفانی آن وجه از نفس ناطقه که به بدن نزدیک است، «نفس» گویند و مرتبه‌ی بالاتر از آن را «قلب» می‌گویند و بالاتر از آن «روح» است که باطن قلب می‌باشد. موفق باشید